

همیشه

در کعبه کوی تو هر آن کس که بیاید از قبله‌البروی تو در عین نماز است

صفحات: ۱۲ | علیرضا بهرامی

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سرمدیر: دانیال معمار

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: حسین ارجلو
شورنگار: مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
مدیر: مریم باقرپور

اقتصاد: مدیر: حسین لطفی
مدیر: مریم موسی‌پور

تماشگر: مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
مدیر: لیلی فرسند

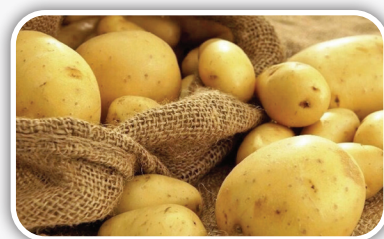
ایرانشهر: مدیر: بهرام عباسی
تندیس: مدیر: سعید محمدی
مدیر: مریم سرخوش

سرخ: مدیر: جواد عزیزی
مدیر: محمد جعفری
مدیر: علی‌رضا محمودی

طرح و گرافیک: مدیر: جواد نصرتی
مدیر: محمد علی حلیمی

کوچه گرد

آلوی ملکه: داستان خوردنی اعیانی دوره قاجار



لیلا باقری

می‌توانید آشپزخانه ایرانی را بدون سبب‌زمینی تصور کنید؟ این خوشمزه چاق‌کننده که به خاطر یکدستی بافت در تهران قدیم به «بیرگی» شهره شد و در طعنه به کسی گفته می‌شد که نسبت به چیزی حساس نیست و می‌گفتند که فالشی از بی‌رگی به سبب‌زمینی گفته زکی اما اصلا چه شد که سبب‌زمینی در دوره فتحعلی‌شاه به ایران آمد و در دوره شاهان بعدی به‌عنوان یک خوراکی نوظهور چنان ریز و زبر شد که به اتفاق دیدند هیچ‌رگ و بی‌ای ندارد و شهره شد به این لقب...

درباره ورود سبب‌زمینی به ایران یک روایت این است که یکی از نوگرایان که در زمان فتحعلی‌شاه به ایران آمده بود، قدری سبب‌زمینی به شاه هدیه کرد و گفت که در آمریکا بافت شده و در اروپا خیلی شایع و مفید است و به درد روزگار قطعی می‌خورد، بدهید در ایران هم بکارند و فایده ببرند که فتحعلی‌شاه فرمود: «خوب به دولت چه تقدیم می‌کنید تا این کار را بنمایم؟»

محمدحسن خان اعتماد السلطنه هم می‌نویسد که سبب‌زمینی آمریکایی و آن را سر جان مُلکم وارد ایران کرده است و برای همین اول به آن آلوی مُلکم می‌گفتند و آن غذای آلود بود و پیازه معروف که ترکیب سبب‌زمینی و پیاز و نمک و زردچوبه و فلفل است هم به‌خاطر همین است و هیچ ربطی به آلو ندارد در دوره محمدشاه قاجار با تلاش حاجی میرزا آقاسی، مصرف سبب‌زمینی کمی رواج پیدا کرد، اما نه آنقدری که بین مردم شناخته شود. نه روش کاشت و داشت و برداشت را می‌دانستند و نه پخت و مصرفش را به‌خاطر همین کمیاب و تازگی، گران هم بود. گوشت، خاوشناس و آلمانی در کتاب سفری به دربار سلطان صاحبقران، خاطره بانمکی دارد از اقامتش در آباده استان فارس و می‌نویسد که تازه به آباده رسیده و در حال استراحت بودند که آقازاده نوکران حاکم آباده با یک سینی بزرگ هدیه حاکم وارد می‌شوند. جماعت هم با اشتیاق پارچه روی سینی را برمی‌دارند و از تعجب می‌زنند زیر خننده یک عدد سبب‌زمینی بوده و چاقوا!

اول فکر می‌کنند یا اشتباهی شده یا حاکم قصد شوخی و مزاح داشتند؛ اما بعد می‌فهمند این سبب‌زمینی که در آلمان و دیگر کشورهای اروپایی فراوان و ارزان است تا همین چند سال پیش در ایران وجود نداشته است و فقط ۳-۴ سال است که کشت آن را در روستای پشند تهران شروع کرده‌اند. در آباده سال اول است و چون بلد نبودند فقط چند سبب‌زمینی برداشت شده و آنقدر برایشان گران‌بها بوده که یکی را پیشکش کرده‌اند. انصاف‌ایرانی جماعت در مهرورزی بی‌چشم‌داشت مثال زدنی است...

این نابلدی در کشت سبب‌زمینی باعث می‌شود تا میرزا یوسف خان مستشار السلطنه از روشنفکران زمان مظفرالدین‌شاه کتابی از فرانسه به فارسی ترجمه می‌کند با عنوان «تاریخ پیدا شدن سبب‌زمینی». بعد از آن مردم با سبب‌زمینی بیشتر آشنا می‌شوند و قیمتش در اندازه نان ارزان می‌شود و صد البته که هنر آشپزی ایرانی هم معنای دوباره به سبب‌زمینی بخشید که نه آلمانی آن را چشیده بود و نه فرانسوی. خلاصه که این سبزی مشهور بی‌رگی تا به حال، جان آدم‌های زیادی را در زمان قحطی نجات داده است.



با اسکن این کیوار کد یادگست مربوط به یادداشت را بشنوید.

دیروزنامه

فرهنگ‌سازی در فرهنگسراها



در صفحه اول روزنامه همشهری که در دست ۳۰ سال پیش در چنین روزی منتشر شده، خبر افتتاح فرهنگسرای خاوران، یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های فرهنگی جنوب شرق تهران منتشر شد. حالا و پس از ۳۰ سال، بسیاری از آموزه‌های هنری و فرهنگی خود را امده‌یون این مکان با ارزش هستند. حالا در این روزها نیز فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ ریز و درشت دیگری متولد شده‌اند که با استفاده از خدمات آنها، می‌توانیم به‌سوی تهرانی با فرهنگ‌تر حرکت کنیم.

بازی‌های ممنوعه در تهران قدیم

چه بازی‌ها و اسباب‌بازی‌هایی در تهران قدیم محبوب بوده و وزیر قاجار کدام بازی‌ها را ممنوع کرده بود؟

تهران ۱۵ روزی، میزبان نهمین جشنواره اسباب‌بازی بود؛ جشنواره‌ای که هدفش آشنایی مخاطبان با انواع اسباب‌بازی‌ها و ترویج فرهنگ بازی در شهر بود و امروز پایان می‌یابد. این جشنواره، در مرکز آفرینش‌های فرهنگی هنری کانون پرورش

سیمروس شاطیابی‌پور



نخستین بازی‌های بشری

بازی همان سرگرمی مفرحی است که بدون زور، دچارش می‌شویم و تا ساعت‌ها از انجامش لذت می‌بریم. اگر بخوایم ردی از نخستین بازی‌های بشر را بگیریم، چندان به نتیجه نمی‌رسیم. بسیاری از پرینه‌شناسان معتقدند بشر نخستین، خودش را با بازی‌های طبیعی و اشیای خام اطرافش سرگرم می‌کرده، اما کمی جلوتر انسان‌ها با همان سنگ‌ها و چوب‌های طبیعی، اسباب‌بازی‌های جذابی می‌ساختند که برخی از آنها را در موزه‌ها می‌توان یافت؛ چهار چرخه مفرغی، جغجغه سفالی و الواح کلی منقش به طرح‌های کودکانه از این دست بوده‌اند.

ویژگی بازی‌های تهرانی‌ها

اگر از برخی بازی‌های زشت گذشته که با ذبیت سالخورده‌گان، آزار حیوانات یا سنگ‌پرانی همراه بوده، بگذریم، به‌طور کلی بازی‌های روزگار قدیم، این چند مشخصه را داشتند: سادگی، انعطاف‌پذیری، گوناگونی، ایمنی، بر تحرکی و البته اقتصادی بودن. البته از شهر یور ۱۳۰۶ هجری شمسی، آموزش ورزش در مدارس سراسر کشور اجباری شد و بچه‌های تهرانی هم علاوه بر بازی‌های فردی و گروهی گذشته، در کبر بازی‌های ورزشی هم شدند.

بازی‌های ممنوعه

برخی بازی‌ها هم در تهران ممنوع شد؛ یکی از آنها الک‌دولک و دیگری کفتر بازی بود. می‌گویند در زمان مظفرالدین‌شاه، وزیر نظمی، این دو بازی را ممنوع کرد، چون معتقد بود این دو بازی، اسباب فساد را فراهم می‌کند. این بازی‌ها در تهران به حدی رواج داشت که جوانان دست از کار می‌کشیدند و عده‌ای هم بیکار، بازی دیگران را تماشا می‌کردند. حتی در آن روزگار اگر کسی به این قانون توجه نمی‌کرد، او را به معدن زغال‌سنگ اطراف تهران می‌فرستادند تا مشغول عملگی شود.

تن تن در تهران!

اگر این روزها هوس تماشای اسباب‌بازی‌های جدید و قدیم را کرده‌اید، می‌توانید سری به موزه اسباب‌بازی‌ها واقع در خیابان نوفل‌لوشاتو، کوچه لولاکر بزنید؛ موزه‌ای دائمی که اسباب‌بازی‌های قدیم و جدید را در دل خود جای داده و آنها را به علاقه‌مندان دنیای بازی نشان می‌دهد. این موزه درست مثل بازی‌ها، شما را هم سرشار از نشاط و شور می‌کند و هرازگاهی در کوچه مجاور خود، بازی‌های گروهی هم برگزار می‌کند. این روزها و به مناسبت ۹۶ سالگی خلق شخصیت «تن تن»، این موزه ابتکاری هم به خرج داده و در دیوار موزه را پر از تصاویر شخصیت‌های جذاب این داستان تصور کرده است.



بازی در تهران قدیم

تهرانی‌های قدیم علاوه بر کسب و کار روزانه، کارهایی هم برای پر کردن اوقات فراغت خودشان انجام می‌دادند؛ به‌خصوص از دوره قاجار و از زمانی که تهران پایتخت شده، نشانه برخی از این بازی‌ها یا اسباب‌بازی‌ها، در تاریخ به جای مانده است. البته برخی بازی‌ها تخصص تهرانی‌ها نیستند و نمی‌توان به‌طور دقیق گفت که در ابتدا، بچه‌های تهران قدیم آنها را اختراع کردند یا دیگر شهرها؛ مثلاً یکی از آنها فرقه است که در دوره‌ای، میان کودکان تهرانی متداول بوده، حال آنکه به‌همین وسیله در تبریز، «مازولاخ» و در همدان «گرگه» می‌گفتند. اما برخی اسباب‌بازی‌ها مخصوص تهران قدیم است؛ مثلاً تیران‌شناسان معتقدند چون اسباب‌بازی‌هایی مثل روروک یا کاری دستی، با چرخ‌هایی از جنس بلبرینگ‌های مستعمل ساخته می‌شد و نخستین خودروها را هم مظفرالدین‌شاه و بعد احمدشاه وارد شهر تهران کردند. پس حتماً این بازی، اختراع تهرانی‌ها بوده است. برخی از بازی‌های محبوب تهران قدیم اینها هستند: روسک رقصانی، شیطان و فرشته، شلاق بازی، سیه‌بازی و شال کشی.

تهرانگرام

زندان قدیمی پایتخت



روستای کوچکی در دامنه کوه‌های مسگرآباد قرار دارد که خالی از سکنه و تنها نشانه این آبادی چنارهای کهنسالی است که کمی آن سوتر از بنای آجری با در چوبی قدیمی دیده می‌شود. این بنا که یکی از قدیمی‌ترین سازه‌های شهری محسوب می‌شود، به زندان هارون الرشید معروف است، اما ۱۳ دیدگاه درباره این بنا وجود دارد.

برخی پژوهشگران معتقدند زندان هارون الرشید در دوران آل‌بویه ساخته شده و به‌عنوان سلول افرادی برای حبس زندانیان کاربرد داشته است. گروهی دیگر اعتقاد دارند این بنا آتشکده‌ای باستانی بوده و به همین دلیل آن را متعلق به دوران ساسانی می‌دانند. عقیده سوم هم مربوط به «آندره گدار» معمار و باستان‌شناس فرانسوی است که زندان هارون را متعلق به دوران سلجوقیان و یکی از استحکامات نظامی آن عصر می‌داند.

یکی از جذابیت‌های زندان هارون الرشید، هم‌رنگی این سازه با محیط اطرافش است که به همین خاطر تا مدت‌ها ناشناخته ماند. این بنای قدیمی متفاوت که در ساخت آن ظرافت خاصی وجود دارد در بلندای دامنه کوه ساخته شده است. بنا به‌شکل مکعب مستطیل و ساختاری از لاشه سنگ و گچ دارد و سنگ‌های آتشفشانی هم در بنا به کار برده شده است. گذشت زمان و حوادث گوناگون باعث شد این بنا فرسوده شود و آسیب ببیند، اما اکنون بخشی از این خرابی‌ها مرمت شده است. در نهایت این بنای تاریخی، ۱۱ بهمن ۱۳۳۳ با شماره ۴۰۸ در فهرست آثار ملی ایران ثبت رسید. اکنون زندان هارون الرشید تحت نظر اداره اوقاف است و امکان ورود عموم به بنا وجود ندارد. همچنین تنها با اخذ مجوز از اداره میراث فرهنگی شهری می‌توان به محوطه اطراف این زندان وارد شد.



تهران‌نامه

حرف مفت نزن!

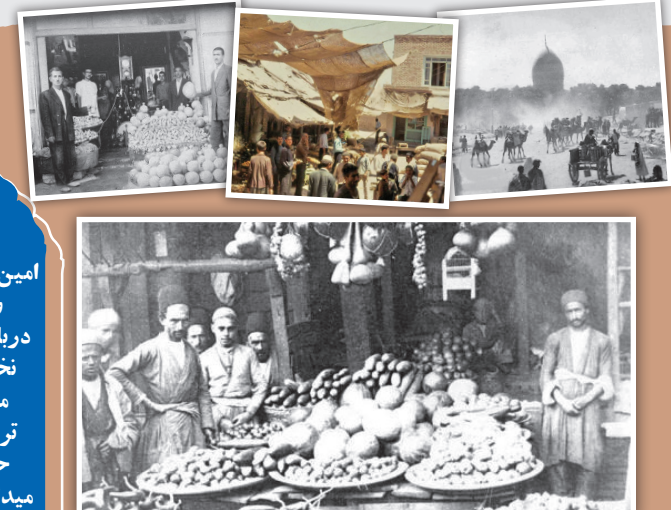
تلگراف در دوره ناصرالدین‌شاه به تهران آمد و امکان برقراری ارتباط میان کاخ گلستان و درالفنون را برقرار کرد. مردم که از این اتفاق عجیب شگفت‌زده بودند، هر روز در کنار مرکز ارسال تلگراف در شهر جمع می‌شدند و صف‌های طولانی تشکیل می‌دادند تا برای یکدیگر تلگراف بفرستند، حتی شوخی و مزاح و مطالب غیرضروری را برای یکدیگر با تلگراف ارسال می‌کردند. صف‌های تلگرافخانه چنان طولی شد و متن‌های تلگراف چنان بی‌ارزش که علیقلی خان مخبرالدوله، وزیر تلگراف دربار، بخشنامه‌ای نوشت که آن را بر در تلگرافخانه نصب کردند و در آن نوشته شده بود: «امروز حرف مفت‌زدن ممنوع» از آن پس اصطلاح «حرف مفت نزن» و «حرف مفت‌زدن» وارد ادبیات محاوره‌ای مردم شهر تهران شد و هنوز هم از این اصطلاح استفاده می‌شود.



امین‌السلطان، وزیر دربار قاجار، نخستین میدان تره‌بار را حوالی میدان شوش شهری دروازه ساخت

تهران مصور

تصمیم امین‌السلطان



«محمدابراهیم خان امین‌السلطان» وزیر دربار قاجار، نخستین میدان تره‌بار را حوالی میدان شوش ساخت. او که با وجود بی‌سوادی، فردی زرنگ، باهوش و البته طماع بین مردم و درباریان شناخته می‌شد، هر روز در مسیر خانه‌اش برای رسیدن به ارگ سلطنتی، در محله‌های امیریه، منیریه و گل‌بندک با کشاورزهایی روبه‌رو می‌شد که راه را برای خرید و فروش محصولات کشاورزی را می‌کردند. امین‌السلطان که در مسافت به باکو، مسکو و ایروان، کشاورزان و مردم را در یک میدان بزرگ دیده بود که همانجا محصولات کشاورزی را خرید و فروش می‌کردند، به فکر افتاد چنین مجموعه‌ای در پایتخت بسازد. بنابراین قطعه زمینی که در نزدیکی دروازه شهری یا دروازه عبداللطیف (ع) داشت، به این کار اختصاص داد. از آن پس کشاورزها بدون وارد شدن

امروز را داشتند و هر کسی می‌خواست باری بزرگ حمل کند به این کاروانسرا مراجعه می‌کرد. با توسعه شهر، خانه‌های زیادی در اطراف این میدان ساخته شد و زمزمه خارج کردن آن از بافت شهری به گوش رسید؛ چون شلوغی، ترافیک و ازدحام جمعیت در این محدوده به اوج